



## درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: مسئله بیست و هفتم  
موضوع جزئی: طرق ثبوت عدالت  
سال سوم  
تاریخ: ۱۵ آبان ۱۳۹۱  
مصادف با: ۲۰ ذی الحجه ۱۴۳۳  
جلسه: ۲۹

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته:

بحث در طریق ششم از طرق ثبوت عدالت یعنی معاشرت مفید علم یا اطمینان، بود؛ عرض کردیم در مورد معاشرت دو مرحله بحث وجود دارد که در مرحله اولی بحث این است که آیا معاشرت مستقلاً و با قطع نظر از کاشفیت از حسن ظاهر طریق ثبوت عدالت است یا آنکه مستقلاً طریق ثبوت عدالت محسوب می‌شود به عبارت دیگر آیا معاشرت در عرض حسن ظاهر است و هر دو مستقلاً طریق ثبوت عدالت می‌باشند یا آنکه معاشرت در طول حسن ظاهر است یعنی به سبب معاشرت حسن ظاهر کشف می‌شود و حسن ظاهر کاشف از عدالت است. در مرحله دوم هم بحث این است که اگر معاشرت مستقلاً طریق ثبوت عدالت باشد آیا اگر مفید و علم و اطمینان بود می‌تواند عدالت را ثابت کند یا اگر حتی مفید علم و اطمینان هم نبود، می‌تواند مثبت عدالت باشد.

### مرحله اول:

در این مرحله بحث در این است که آیا معاشرت با شخص، کاشف از حسن ظاهر است یا آنکه مانند حسن ظاهر کاشف از عدالت می‌باشد به عبارت دیگر آیا معاشرت با شخص در کشف حسن ظاهر از عدالت معتبر است یا نه؟ معنای اعتبار معاشرت در کاشفیت حسن ظاهر از عدالت این است که معاشرت در طول حسن ظاهر است.

بعضی قائل به اعتبار معاشرت در کاشفیت حسن ظاهر شده‌اند یعنی معتقدند بدون معاشرت نمی‌توان عدالت را کشف کرد و چند دلیل هم بر این مدعی اقامه کرده‌اند. و در مقابل هم بعضی قائلند که معاشرت در کاشفیت حسن ظاهر معتبر نیست.

بحث اعتبار معاشرت یا عدم اعتبار معاشرت در حسن ظاهر در مبحث بعدی یعنی بحث از طریقیت حسن ظاهر مورد بررسی قرار خواهد گرفت ولی اجمالاً مطلب این است که معاشرت در کاشفیت حسن ظاهر از عدالت معتبر نیست یعنی این گونه نیست که برای کشف حسن ظاهر از عدالت لزوماً نیاز به معاشرت وجود داشته باشد.

اگر ما قائل شدیم که معاشرت در کاشفیت حسن ظاهر از عدالت معتبر نیست آنگاه می‌تواند خود معاشرت یک طریق مستقلی برای ثبوت عدالت باشد یعنی این گونه نیست که اگر کسی قائل به عدم اعتبار معاشرت در کاشفیت حسن ظاهر از عدالت باشد لزوماً معاشرت را طریق مستقل بداند چون ممکن است کسی بگوید حسن ظاهر از طرق مختلف کشف می‌شود و غیر از

معاشرت راه‌های دیگری هم دارد اما کسی که می‌گوید معاشرت در کاشفیت حسن ظاهر از عدالت معتبر است منظورش این است که تنها راه معاشرت است.

در هر صورت نظر مختار این است که معاشرت اعتبار ندارد و برای کشف حسن ظاهر از عدالت لزوماً به معاشرت نیازی نیست و بدون آن نیز عدالت قابل کشف است.

حال اگر قائل شدیم که معاشرت در کاشفیت حسن ظاهر معتبر نیست پس یعنی طولیت معاشرت را کنار گذاشته‌ایم. نظر امام(ره) و مرحوم سید این است که معاشرت طریق مستقلاً برای ثبوت عدالت است چون امام(ره) معاشرت را در عرض حسن ظاهر به عنوان یک طریق ذکر کرده‌اند؛

امام(ره) در مسئله بیست و هفتم راه‌های ثبوت عدالت را شیاع مفید علم، شهادت عدلین، معاشرت مفید علم یا اطمینان ذکر کرده‌اند و در ادامه فرمودند: بل تعرف بحسن الظاهر؛ پس از این عبارت معلوم می‌شود که حسن ظاهر غیر از معاشرت است و این دو در عرض هم طریق برای ثبوت عدالت هستند.

مرحوم سید هم در مسئله بیست و سوم عروة حسن ظاهر را به عنوان یک طریق برای ثبوت عدالت ذکر کرده و دیگر در این مسئله سخن از معاشرت به میان نیاورده است و البته در مسئله چهل و چهارم معاشرت را ذکر کرده ولی دیگر از حسن ظاهر سخنی به میان نیاورده است؛ با اینکه ایشان این دو را کنار هم نیاورده اما مجموع این دو مسئله را اگر کنار هم بگذاریم ظهور عبارت سید هم این است که ایشان هم اینها را دو طریق مستقل می‌داند. اما در عین حال محتمل است که کسی بگوید مرحوم سید معاشرت را در کاشفیت حسن ظاهر از عدالت معتبر می‌داند چون این دو را در کنار هم ذکر نکرده و در دو مسئله جداگانه آورده است؛ البته این احتمال، یک احتمال قابل توجه نیست تا بتوان آن را به عنوان نظر سید ذکر کرد.

**نتیجه مرحله اول:** در هر صورت آنچه که به نظر می‌رسد این است که معاشرت مستقلاً طریقی برای ثبوت عدالت است.

### **مرحله دوم:**

بحث در این مرحله در این است که اگر معاشرت مستقلاً طریقی برای ثبوت عدالت باشد، در صورتی طریقت دارد که مفید علم یا اطمینان باشد چون این قید مفید للعلم أو الاطمئنان در عبارت امام(ره) و مرحوم سید آمده است، اگر ما بگوییم معاشرت یک راهی برای ثبوت عدالت می‌باشد لکن یک طریق تبعیدی نیست یعنی با معاشرت می‌شود عدالت را کشف کرد ولی به شرط افاده علم یا اطمینان چون دلیل خاص شرعی بر اعتبار آن نداریم. اگر ملاک حصول علم یا اطمینان به عدالت باشد، دیگر این طریق مستقل از طریق اول یا دوم نیست (طریق اول حصول علم و طریق دوم حصول اطمینان بود).

**نتیجه مرحله دوم:** معاشرت طریق مستقلاً برای ثبوت عدالت نیست.

**نتیجه کلی:** پس در مجموع نتیجه کلی از بحث معاشرت این است که اصلاً معاشرت نمی‌تواند به عنوان یک طریق مستقلاً برای ثبوت عدالت ذکر شود چون از دو حال خارج نیست: یا معاشرت در کاشفیت حسن ظاهر از عدالت معتبر است یا نیست که اگر در کاشفیت حسن ظاهر از عدالت معتبر باشد دیگر نباید به عنوان یک طریق مستقل برای ثبوت عدالت ذکر شود بلکه باید به عنوان یک شرط و یک قید کنار حسن ظاهر آورده شود و اگر هم قائل شدیم معاشرت در کاشفیت حسن ظاهر از عدالت معتبر

نیست و خود مستقل از حسن ظاهر مثبت عدالت است با توجه به اینکه قید افاده علم یا اطمینان در کنار آن ذکر شده باز هم طریق مستقلی نیست و یا داخل در طریق اول است یا طریق دوم. در هر صورت معاشرت به عنوان یک طریق برای ثبوت عدالت مستقلاً محسوب نمی‌شود.

### **طریق هفتم: حسن ظاهر**

در مورد حسن ظاهر چهار بحث داریم:

۱. معنای حسن ظاهر و اینکه اصلاً حسن ظاهر به چه معناست.
  ۲. طریقت حسن ظاهر و کاشفیت از عدالت است.
  ۳. اینکه آیا معاشرت در حسن ظاهر معتبر است یعنی معاشرت در کاشفیت حسن ظاهر از عدالت معتبر است یا خیر.
  ۴. اینکه آیا طریقت و کاشفیت حسن ظاهر از عدالت تبعیدی است یا واقعی یعنی اینکه حسن ظاهر کشف از عدالت می‌کند ولو آنکه مفید علم و اطمینان نباشد یا آنکه حسن ظاهر به شرطی کاشف از عدالت است که مفید علم یا اطمینان باشد.
- فرق بحث در مقام دوم و مقام چهارم مشخص است؛ در مقام دوم از اصل طریقت و کاشفیت حسن ظاهر بحث می‌کنیم فی الجملة با قطع نظر از اینکه یک طریق تبعیدی است یا یک طریق حقیقی یا وجدانی ولی در مقام چهارم بحث از این است که اگر طریقت حسن ظاهر ثابت شد یک طریق تبعیدی است یا واقعی و وجدانی و در حقیقت متفرع بر آن است البته می‌توان فرضی بحث کرد یعنی ممکن است کسی بگوید که حسن ظاهر اصلاً طریق برای ثبوت عدالت نیست لکن بر فرض طریق بودن آیا طریق تبعیدی می‌باشد یا واقعی.

در هر صورت ما در اینجا چهار بحث داریم که اینها را در این چهار مقام مطرح خواهیم کرد.

### **مقام اول: معنای حسن ظاهر**

معنای حسن ظاهر چیست آیا حسن ظاهر یعنی اینکه شخص قیافه و ظاهر خوبی داشته باشد؟ منظور از حسن ظاهر این است که ظاهر شخص یک ظاهر دینی باشد یعنی به وظائف شرعی عمل کند و واجبات را انجام دهد و از گناهان اجتناب کند در مقابل کسی که ظاهر او دینی نیست و اهل اخلال به وظائف شرعی و اهل فسق و فجور است. تلقی عمومی ما از این مسئله چیست؟ قطعاً کسی که به فسق و گناه او علم داریم به صرف حضور در نماز جماعت و روزه نمی‌توان گفت که او عادل است لذا حسن ظاهر یعنی کسی که اهل عمل به واجبات است و البته کاری به پنهان افراد نداریم یعنی ممکن است کسی در خفا مرتکب گناهی شود که این مطلب در این مسئله دخالتی ندارد. توجه به این نکته لازم است که کسی که اهل نماز و روزه است و شرب خمر نمی‌کند و زنا کار نیست لکن اهل غیبت و تهمت است آیا حسن ظاهر دارد یا نه؟ آیا برخی از گناهان مثل دروغ و غیبت و امثال آن مغل به حسن ظاهر هست یا نه؟ قطعاً مغل می‌باشد. کسی که به راحتی تهمت و غیبت و امثال آن را مرتکب می‌شود، دیگر نمی‌توان حکم به حسن ظاهر او کرد. چون حسن ظاهر یک معنای وسیعی دارد و کسی که اخلال به وظائف می‌کند و محرمات را مرتکب می‌شود نمی‌توان گفت که حسن ظاهر دارد از جمله زنا کار، تارک صوم و صلاة و غیبت کننده و امثال اینها حسن ظاهر ندارند.

امام(ره) در متن مسئله بیست و هفتم حسن ظاهر را به نوعی تفسیر کرده‌اند؛ ایشان فرمودند: «بل تعرف بحسن الظاهر» یعنی بل تعرف العدالة بحسن الظاهر «و مواظبته علی الشرعیات و الطاعات و حضور الجماعات و نحوها» این جمله در واقع تفسیر حسن ظاهر است که این هم شامل واجبات می‌شود و هم شامل محرمات یعنی مواظب باشد اطاعت کند و مراقب باشد که عصیان نکند لکن در ادامه می‌فرماید «و حضور الجماعات» آیا واقعاً حضور در جماعات دخیلی در حسن ظاهر دارد یا ندارد؟ آیا کسی که اهل انزوا است نمی‌تواند حسن ظاهر داشته باشد؟ به نظر می‌رسد حضور در جماعت موضوعیت ندارد حسن ظاهر یعنی مواظبت بر واجبات و ترک محرمات. ممکن است ذکر حضور در جماعات از این جهت باشد که موجب اطلاع بر ظاهر شخص است یعنی در محافل و مجالس دینی مثل نماز جماعت و اجتماعات دیده می‌شود، موجب اطلاع از حسن ظاهر او می‌باشد.

پس معنای حسن ظاهر این است که رعایت اوامر و نواهی شرعی را می‌کند یعنی همین مقدار که بدانیم پای بندی به اوامر و نواهی شرعی است کفایت می‌کند.

**بحث جلسه آینده:** بحث در مقام دوم از طریق هفتم خواهد بود.

«والحمد لله رب العالمین»